

دکتر برات زنجانی

از گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

اشتباهات تقویم روز در تاریخ بیهقی

ابوالفضل بیهقی، نویسنده توانای دوره غزنوی، وقایع پنجاه سال از دوره حکومت غزنویان را بایبطرفی کامل و مشروح، و با دقتی که در خور يك مورخ دانشمند و نکته سنج است، در چندین هزار ورق به رشته تحریر آورده است. متأسفانه از این تاریخ مفصل آنچه امروز به دست ما رسیده مربوط است به سلطنت دهساله سلطان مسعود غزنوی، به عبارت دیگر چهار پنجم کتاب اصلی تاکنون پیدا نشده است، و يك پنجم موجود نیز وقایع سال ۴۲۵ را بطور کامل ندارد. در این کتاب بیهقی وقایع را با ذکر تاریخ روز و ماه و سال نوشته است. اما بعد از او نسخ در نقل تاریخ روز و ماه دقت نکرده اند، و نابسامانی در آن راد یافته و نیز این امر از نظر بعضی از محققین دور مانده است.

ضمن مطالعه این اثر نفیس متوجه شدم، که در بعضی جاها تاریخ روز و ماه نادرست و با روزهای دیگر همان ماه اختلاف دارد. ازین رو سعی کردم تا همه این اختلافات را گرد آورم، و بانظم و ترتیب ماهها و سالها در این مقاله بنگارم، تا شاید مفید فایده ای باشد. در آغاز کوشیدم که همه این غلطها را تصحیح نمایم، به همین منظور به کتاب وستنفلد که سالهای میلادی را با تاریخهای مختلف، از جمله با تاریخ هجری قمری تطبیق داده و نام روز اول ماهها را نیز داده است روی آوردم. متأسفانه جد این کتاب با بیشتر تاریخ روز و ماهی که در تاریخ بیهقی آمده است مطابقت. و فقط اول محرم سالهای

۴۲۲ و ۴۲۴ و ۴۲۶ و ۴۲۸ با جدول داده شده تطبیق میکرد. و چون تصور غلط بودن بقیه سال‌ها، طبق دلایل روشنی که در همین تاریخ آمده، مشکل و بلکه نادرست بود، لذا نتیجه گرفتم جدول مقایسه‌ای که این دانشمند ترتیب داده فورمولی و بر مبنای ریاضی است، و ای بسا که با تاریخی که عملاً در مناطق مختلف از جمله خراسان بکار برده‌اند سازگار نباشد. بطوریکه در حال حاضر با این همه پیشرفت علمی، چه بسا روز اول ماه رمضان در اقصی‌ترین مناطق مختلف با تاریخی که بوسیله منجمین و ریاضی‌دانان داده شده است مطابقت نمی‌کند، تا چه رسد به تاریخی که برای هزار سال گذشته ترتیب داده شود.

اینک موارد اختلاف را که در نادرستی آنها شکی نیست، یادآوری می‌کنم. و برای روشن شدن ذهن خوانندگان، قبلاً به روش تطبیق روزها و تاریخ اشاره کرده، سپس باصل مطلب می‌پردازم.

بطوریکه میدانیم مدت متوسط یک دوره هلالی، ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و چهل و چهار دقیقه است، و یکسال قمری معادل است با

$$\begin{array}{r} \text{دقیقه ساعت روز} \\ \text{دقیقه ساعت روز} \end{array} \quad \text{دقیقه ساعت روز} \quad \text{دقیقه ساعت روز}$$

$$12(29 \quad 12 \quad 44) = 354 \quad 8 \quad 48$$

و اگر سال را ۳۵۴ روز محسوب داریم، ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه اضافه خواهیم داشت. و چون در هر سه یا دو سال که این کسور اضافه متراکم شد، از ۲۴ ساعت که یک شبانه‌روز است تجاوز می‌کند، آن سال را ۳۵۵ روز گیرند، و به اصطلاح گویند آن سال کبیسه است و معمولاً طول ماه قمری را حداکثر ۳۰ روز و حداقل ۲۹ روز دانند. و اما روزهای هفته که در یک ماه قمری میتواند قرار گیرد: در ماههای ۳۰ روز فقط دو روز میتواند پنج‌بار تکرار شود. و آن روز اول و دوم ماه است. مثلاً اگر ۳۰ روز و اول محرم دوشنبه باشد فقط روز دوشنبه و سه‌شنبه (روز اول و دوم) پنج‌بار تکرار می‌شود، و بقیه ایام هفته چهاربار تکرار می‌گردد.

و اگر ماه ۲۹ روز باشد فقط روز اول ماه پنج بار و بقیه روزها چهار بار تکرار میشود. و در هر دو حال روز اول و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم و بیست و نهم هر ماه، یک روز هفته تکرار می گردد. به عبارت دیگر فاصله تکرار یکروز عدد هفت و یا ضربی از عدد هفت می باشد:

$$۸-۱=۷$$

$$۱۵-۱=۷ \times ۲$$

$$۲۲-۱=۷ \times ۳$$

$$۲۹-۱=۷ \times ۴$$

مثلاً اگر اول جمادی الاولی روز دوشنبه باشد، روز هشتم و پانزدهم و بیست و دوم و بیست و نهم نیز دوشنبه خواهد بود. و اگر در تاریخی روز اول ماه را دوشنبه و روز هشتم همان ماه را پنجشنبه نویسند، مسلماً اشتباه کرده اند. از این جمله در تاریخ بیهقی در وقایع جمادی الاولی (سال ۴۲۳) چنین آمده:

دوشنبه اول جمادی الاولی

پنجشنبه هشتم جمادی الاولی

سه شنبه هژدهم جمادی الاولی

که هر سه باهم ناسازگار است. و برای تطبیق روزهای دیگر ماه ابتدا اول ماه را حساب میکنیم و سپس با روزهای دیگر می سنجمیم. مثلاً از ربیع الاول سال ۴۲۶ این روزها را داده:

شنبه چهاردهم

یکشنبه بیست و ششم

از یکشنبه بیست و ششم نتیجه می گیریم که شنبه بیست و پنجم ماه بوده

است و چون:

$$۲۵-۱۴=۱۱$$

یازده قابل قسمت بر هفت نیست یعنی مضربی از عدد هفت نمی باشد،

مسلماً یکی از این دو تاریخ نادرست است. برای پیدا کردن روز اول ماه از شنبه چهاردهم نتیجه می‌گیریم که یکشنبه پانزدهم ماه و در نتیجه اول و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم و بیست و نهم ماه هم روزیکشنبه بوده است و برای نشان دادن مشکل تصحیح این دو تاریخ گوئیم که این دو دارای چهار جزء است (شنبه)، (چهاردهم)، (یکشنبه)، (بیست و ششم)، با در نظر گرفتن امکان اینکه اشتباه در یکی از این چهار جزء رخ داده از چهار حالت نمی‌تواند خارج باشد:

۱- اگر اشتباه در جزء اول یعنی (شنبه)، باشد باید چنین اصلاح شود:

سه‌شنبه چهاردهم

یکشنبه بیست و ششم

۲- اگر اشتباه در جزء دوم یعنی (چهاردهم) باشد، باید چنین اصلاح شود:

شنبه هجدهم و یا یازدهم

یکشنبه بیست و ششم

۳- اگر اشتباه در جزء سوم یعنی (یکشنبه) باشد، باید چنین اصلاح شود:

شنبه چهاردهم

پنجشنبه بیست و ششم

۴- و اگر اشتباه در جزء چهارم یعنی (بیست و ششم) باشد، باید چنین

اصلاح شود:

شنبه چهاردهم

یکشنبه بیست و دوم و یا بیست و نهم

با این کیفیت واضح است که تصحیح دقیق فعلاً مشکل و بلکه غیر ممکن است، و باید منتظر باشیم تانسخه یا نسخ اقدم بدست آید. اینک موارد نادرست به ترتیب سال و ماه و ذکر صفحه یادآوری می‌گردد، و باید اضافه کنم موارد بسیاری هم وجود دارد که تاریخ روزها و ماه باهم کاملاً مطابقت می‌نمایند، و از ذکر آنها صرف نظر می‌کنم.

۱- در وقایع سال (۴۲۱) می نویسد: «می آمد تا بشبورقان و آنجا عید اضحی بکرد و بسوی بلخ آمد و آنجا رسید روز دوشنبه هفتم ذی الحججه سنه احدى وعشرين و اربعمائه» ص ۹۵ چاپ فیاض تهران ۱۳۲۴»
اولا عید اضحی در دهم ذی الحججه است و مفهوم عبارت بالا چنین است «عید اضحی نرسیده مراسم عید را برگزار کرده است» و بطور یقین (روز دوشنبه هفتم) نادرست است. ثانیاً در جای دیگر رسیدن مسعود را به بلخ، روز یکشنبه نیمه ذی الحججه ذکر کرده است: «امیر مسعود رضی الله عنه در بلخ آمد روز یکشنبه نیمه ذی الحججه سنه احدى وعشرين و اربعمائه ص ۱۳۹ همان مأخذ»

۲- در وقایع سال ۴۲۲ در خلعت وزارت پوشیدن خواجه احمد حسن میمنندی می نویسد: «و دیگر روز نهم صفر این سال، خواجه بدرگاه آمد و پیش رفت، واعیان و بزرگان و سرهنگان و اولیاء و حشم بر اثر وی در آمدند و رسم خدمت بجای آوردند. و امیر روی به خواجه کرد و گفت خلعت وزارت بیاید پوشید که شغل در پیش بسیار داریم. و بیاید دانست که خواجه خلیفت ماست در هر چه به مصلحت باز گردد، و مثال و اشارت وی روان است در همه کارها، و بر آنچه بیند کس را اعتراض نیست. خواجه زمین بوسه داد و گفت فرمان بردارم. امیر اشارت کرد سوی حاجب بلکاتکین که مقدم حاجبان بود تا خواجه را به جامه خانه برد... ص ۱۵۵ همان مأخذ»

و مطابق مطالبی که در صفحات ۱۴۹ تا ۱۵۵ آمده مسلم است که قبل از پوشیدن خلعت وزارت بکار مشغول نشده است، با وجود این در صفحه ۱۵۹ چنین آورده: «دیگر روز چهارشنبه هفتم صفر خواجه به درگاه آمد، و امیر مظالم کرد، روزی سخت بزرگ بود بانام و حشمت تمام، چون بار بگسست خواجه به دیوان آمد و شغل پیش گرفت و کار میراند چنانکه او دانستی راند.»
با اینکه این دو تاریخ از نظر روز و تاریخ ممکن است باهم سازگار باشد ولی از نظر نظم و ترتیب سیر و وقایع باهم سازگار نیست و مسلماً یکی از

این دونادرست است، و بنظر می‌رسد جای این دو عوض شده باشد به این معنی در هفتم خلعت پوشیده و درنهم بکار مشغول شده است.

۳- از شوال سال ۴۲۲ سه تاریخ ذکر کرده:

چهارشنبه اول شوال (صفحه ۲۷۳ همان مأخذ)

یکشنبه پنجم شوال (ص ۲۸۰ همان مأخذ)

پنجشنبه نیمه شوال (ص ۲۸۰ همان مأخذ)

که دو تاریخ اول باهم سازگار است، و اگر روز و تاریخ این دو را صحیح بدانیم پنجشنبه شانزدهم شوال خواهد بود نه نیمه شوال، بعبارت دیگر چهارشنبه نیمه شوال بوده است، نه پنجشنبه.

۴- از ذی‌الحجه همین سال سه تاریخ ذکر کرده:

شنبه دهم (ص ۲۸۶ همان مأخذ)

سه‌شنبه نیمه (ص ۲۸۶ همان مأخذ)

شنبه هشت روز مانده از ذوالحجه (ص ۲۸۷ همان مأخذ)

و این سه تاریخ باهم سازگار نیست زیرا اگر (شنبه دهم) درست باشد، پنجشنبه اول ماه خواهد بود. و اگر (سه‌شنبه نیمه) درست باشد سه‌شنبه اول ماه خواهد بود. و اگر (شنبه هشت روز مانده) درست باشد، در این صورت اگر ماه را سی روزه فرض کنیم، اول ماه جمعه خواهد بود. و اگر بیست و نه روزه فرض کنیم، شنبه اول ماه خواهد بود.

۵- در وقایع سال ۴۲۳ از ربیع‌الآخر سه تاریخ ذکر کرده:

سه‌شنبه ششم (ص ۳۳۹ همان مأخذ)

پنجشنبه هشتم (ص ۳۴۰ همان مأخذ)

شنبه بیستم (ص ۳۴۲ همان مأخذ)

که دو تاریخ اول باهم سازگار ولی با سومی ناسازگار است، و سه‌شنبه بیستم ماه است نه شنبه.

۶- واز جمادی الاولی سه تاریخ ذکر کرده:

دوشنبه غره (ص ۳۴۲ همان مأخذ)

پنجشنبه هشتم (ص ۳۵۵ همان مأخذ)

سه شنبه هژدهم (ص ۳۴۴ همان مأخذ)

که هر سه باهم ناسازگار است، و حداقل دوتای آن نادرست است. زیرا اگر (پنجشنبه هشتم) درست باشد، اول ماه پنجشنبه خواهد بود نه دوشنبه، و اگر (سه شنبه هژدهم) درست باشد، اول ماه شنبه خواهد بود.

۷- در وقایع سال ۴۲۴ از جمادی الاخری سه تاریخ ذکر کرده:

آدینه چهارم (ص ۴۰۳ همان مأخذ)

سه شنبه ششم (ص ۳۹۱ همان مأخذ)

سه شنبه نیمه جمادی الاخری (ص ۴۰۹ همان مأخذ)

که اولی و سومی باهم سازگار و با تاریخ دوم یعنی (سه شنبه ششم) ناسازگار است. زیرا اگر (آدینه چهارم) درست باشد، اول ماه سه شنبه خواهد بود؛ و نیمه ماه نیز سه شنبه خواهد بود. ولی (سه شنبه ششم) نمی تواند باشد، و اشتباه یا در اسم روز است، یا در تاریخ روز و باید به یکی از دو صورت زیر:

سه شنبه هشتم

و یا یکشنبه ششم

اصلاح شود.

۸- واز رجب همین سال سه تاریخ ذکر کرده:

آدینه غره (ص ۳۹۵ همان مأخذ)

دوشنبه چهارم (ص ۳۹۷ همان مأخذ)

پنجشنبه بیست و سوم (ص ۴۰۹ همان مأخذ)

که دو تاریخ اول باهم سازگار، و با سومی ناسازگار است، زیرا اگر

(پنجشنبه بیست و دوم) را درست بدانیم، اول ماه چهارشنبه خواهد بود نه آدینه،
و باید به یکی از دو صورت زیر:

شنبه بیست و سوم

و یا پنجشنبه بیست و یکم

اصلاح شود.

۹- از رمضان دو تاریخ ذکر کرده:

شنبه نخست روز رمضان (ص ۴۱۱ همان مأخذ)

یکشنبه دهم ماه رمضان سنه خمس و عشرين و اربعمائه (!) (ص ۴۲۱ همان

مأخذ)

که تاریخ دوم آن مربوط به سال ۴۲۵ است و بنظر میرسد که وقایع رمضان
سال ۴۲۴ و رمضان سال ۴۲۵ بهم آمیخته و یا اینکه عبارت (سنه خمس عشرين)
نادرست و می بایستی (سنه اربع عشرين) باشد، ولی فرض اول مقرون به صحت
است. زیرا عید این رمضان را (روز سه شنبه ص ۴۲۳) ذکر کرده، و اگر اول
رمضان را همانطور که در صفحه ۴۱۱ آورده شنبه بدانیم، بهیچوجه عید نمی تواند
روز سه شنبه باشد، زیرا در این صورت رمضان سی و یک روز خواهد بود، و این
نیز برخلاف محاسبات تقویمی است. اما اگر تاریخ (یکشنبه دهم ماه رمضان
سنه خمس و عشرين و اربعمائه ص ۴۲۱) را درست بدانیم، روز عید با این تاریخ
مطابقت دارد، و در این صورت عید (روز سه شنبه ص ۴۲۳) مربوط به سال ۴۲۵
خواهد بود، و با اینحال اشکال دیگری پیش می آید، و آن اینست که تاریخ
(یکشنبه دهم ماه رمضان سال ۴۲۵) با تاریخ (پنجشنبه دو روز مانده از شعبان
خمس و عشرين و اربعمائه ص ۶۸۱) مطابقت نمی کند، نتیجه آنکه وقایع سال
۴۲۵ از تاریخ بیهقی موجود افتاده است، و فقط در دو جا بصورت پراکنده از
شعبان و رمضان سال ۴۲۵ (ص ۶۸۱) و (ص ۴۲۱) اسمی برده شده، و روش
بیهقی در نوشتن این تاریخ بر این بوده است، که در آغاز وقایع هر سال از محرم

و غره آن سال اسمی ببرد، و ذکری به میان آورد، بطوریکه از غره محرم سالهای ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ نام برده است، و فقط از محرم ۴۲۱ و ۴۲۵ ذکری به میان نیامده است و علت اینکه از محرم سال ۴۲۱ ذکری نمی بینیم اینست. که تاریخ بیهقی موجود قسمتی است از کتاب بنصیای که بنسبگفته خود مولف چندین هزار ورق بوده، و اکنون قسمت کمی از آن به دست ما رسیده است، و ابتدای تاریخ بیهقی موجود، ابتدای کتاب اصلی نیست و وقایع محرم و ذکر آغاز سال ۴۲۱ جزو آن قسمت از کتاب است که به دست ما نرسیده است و مقدمه ای که در آغاز کتاب:

«بسم الله الرحمن الرحيم، گوینده این داستان ابوالفضل بیهقی دبیر از دیدار خویش چنین گوید....»

آمده توضیحی است که بعداً برای فهم مطلب افزوده اند بطوریکه در بعضی از نسخه ها اصلاً نیست و در بعضی دیگر هم با اختلاف عبارت است. نتیجه آنکه وقایع سال ۴۲۵ در تاریخ بیهقی موجود نیامده است و فقط در دو جا از رمضان و شعبان ۴۲۵ بطور پراکنده اسمی به میان آمده و این دو تاریخ نیز شوش است، و نمی توان قبول کرد که این سال (۴۲۵) وقایع تاریخی نداشته است و یا منحصر به همین دو مورد پراکنده بوده است.

و سپس از تقویم شوال بدون ذکر سال نام می برد؛ «آدینه نوزدهم شوال شهر غزنی را بیاراستند ص ۴۲۵» و این آراستن به مناسبت رسیدن مهدشاه خاتون دختر قدرخان برای سلطان مسعود بوده است (ص ۴۲۵)، و در صفحه ۴۲۴ می نویسد که: «قریب چهار سال بود تا رسولان ما خواجه ابوالقاسم حصیری ندیم و قاضی بو طاهر تبانی بترکستان رفته بودند از بلخ، بستن عهد را با قدرخان و دختری از آن وی را خواستن بنام سلطان مسعود.... ص ۴۲۴»، و چون رفتن ابوالقاسم به ترکستان «پنجشنبه ده روز گذشته از ربیع الاول سال ۴۲۲ ص ۲۲۰» بوده و اگر سه سال و هفت ماه (قریب چهار سال) به این تاریخ بیفزائیم به ماه

شوال ۴۲۵ می‌رسیم بنابراین نوزدهم شوال وما بعد آن نیز مربوط به سال ۴۲۵ است نه سال ۴۲۴. و باز از شوال تاریخ‌های دیگری ذکر کرده:

سه‌شنبه اول (ص ۴۲۳ همان مأخذ)

پنجشنبه هژدهم (ص ۴۲۴ همان مأخذ)

آدینه نوزدهم (ص ۴۲۵ همان مأخذ)

دوشنبه هشت روزمانده (ص ۴۲۵ همان مأخذ)

پنجشنبه بیست و پنجم (ص ۴۲۶ همان مأخذ)

شنبه سه‌روز مانده (ص ۴۳۲ همان مأخذ)

چهارشنبه سلخ‌ماه (ص ۴۳۳ همان مأخذ)

که از این هفت تاریخ چهار تاریخ اول باهم سازگار است، و سه تاریخ اخیر با هم، و هم با چهار تاریخ اول ناسازگار است، و این دلیل دیگری است بر اینکه روز و تاریخ رمضان و شوال سال‌های ۴۲۴ و ۴۲۵ باهم آمیخته و مشوش است، و از وقایع ماهها ما بعد شوال سال ۴۲۴ نیز چیزی در تاریخ بیهقی موجود، نیامده است.

۱۰- در وقایع سال ۴۲۶ از محرم سه تاریخ ذکر کرده:

یکشنبه نهم (ص ۴۳۷ همان مأخذ)

یکشنبه نیمه محرم (ص ۴۳۸ همان مأخذ)

چهارشنبه بیست و هشتم (ص ۴۳۸ همان مأخذ)

که (یکشنبه نیمه محرم) با دو تای دیگر مطابقت ندارد و باید به یکی از

دو صورت زیر اصلاح شود:

شنبه نیمه محرم

و یا یکشنبه شانزدهم محرم

۱۱- و از صفر همین سال چهار تاریخ ذکر کرده:

سه‌شنبه هشتم (ص ۴۴۰ همان مأخذ)

یکشنبه چهاردهم (ص ۴۴۱ همان مأخذ)

چهارشنبه هفدهم (ص ۴۴۲ همان مأخذ)

یکشنبه دو روز مانده (ص ۴۴۴ همان مأخذ)

که اگر (سه‌شنبه هشتم) و (یکشنبه دو روز مانده) را درست بدانیم، سه‌شنبه اول صفر خواهد بود، و اگر دو تاریخ دیگر را درست بدانیم اول ماه دوشنبه خواهد بود، در هر صورت دبدو با هم سازگار نیست.

۱۲- از ربیع‌الاول این سال سه تاریخ ذکر کرده:

شنبه چهاردهم (ص ۴۴۴ همان مأخذ)

یکشنبه دوازدهم (ص ۴۴۸ همان مأخذ)

یکشنبه بیست و ششم (ص ۴۴۹ همان مأخذ)

که (شنبه چهاردهم) با آن دو تاریخ دیگر مطابقت ندارد.

۱۳- از ربیع‌الآخر دو تاریخ ذکر کرده:

دوشنبه دوازدهم ربیع‌الآخر (ص ۴۵۲ همان مأخذ)

پنجشنبه سه روز مانده از این ماه (ص ۴۵۴ همان مأخذ)

که اگر (دوشنبه دوازدهم) را درست بدانیم تاریخ دوم یعنی پنجشنبه سه‌روز مانده نادرست خواهد بود، و اگر دومی را درست بدانیم، اولی غلط خواهد بود.

۱۴- از جمادی‌الاولی پنج تاریخ ذکر کرده، که هر پنج تاریخ با هم سازگار

است. اما در ضمن وقایع این ماه دربارهٔ مسافرت مسعود به مازندران چنین آورده: «روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الاول به آمل رسید ص ۴۶۰»، در صورتیکه در ماه جمادی‌الاولی به آمل رسیده بود، و (روز شنبه دوازدهم ربیع‌الاول) نادرست و باید به یکی از دو صورت زیر:

روز پنجشنبه دوازدهم جمادی‌الاولی

و یا روز شنبه چهاردهم جمادی‌الاولی

اصلاح شود.

۱۵- از جمادی الاخری همین سال (۴۲۶) سه تاریخ در میان وقایع سال

۴۳۲ بشرح زیر آورده:

یکشنبه دوم جمادی الاخری (ص ۶۸۵ همان مأخذ)

شنبه بیست و هفتم جمادی الاخری (ص ۶۸۶ همان مأخذ)

یکشنبه هفتم (ص ۶۸۶ همان مأخذ)

که این روزها با تقویمی که در وقایع سال ۴۲۶ برای جمادی الاخری ذکر کرده اصلاً مطابقت ندارد، و بعلاوه سه تاریخ فوق با هم نیز قابل تطبیق نیست.

۱۶- از ذوالقعدة همین سال دو تاریخ ذکر کرده:

روز آدینه شانزدهم (ص ۴۹۳ همان مأخذ)

یکشنبه نوزدهم (ص ۴۹۳ همان مأخذ)

که با هم مطابقت ندارد.

۱۷- در وقایع سال ۴۲۷ از محرم پنج تاریخ ذکر کرده:

چهارشنبه چهارم (ص ۴۹۴ همان مأخذ)

دوشنبه نهم (ص ۴۹۵ همان مأخذ)

پنجشنبه نهم (ص ۴۹۵ همان مأخذ)

چهارشنبه نیمه محرم (ص ۴۹۵ همان مأخذ)

یکشنبه چهار روز مانده از محرم (ص ۴۹۶ همان مأخذ)

نهم این ماه را هم دوشنبه نامیده و هم پنجشنبه، و اگر (چهارشنبه چهارم) را درست بدانیم، یکشنبه اول محرم خواهد بود، و در این صورت (پنجشنبه نهم) و (چهارشنبه نیمه محرم) و (یکشنبه چهار روز مانده) درست نخواهد بود. علاوه بر این اگر روز یکشنبه اول محرم باشد، و محرم آن سال را ۲۹ روز بگیریم، آخر محرم یکشنبه، و اگر محرم آن سال را ۳۰ روز بگیریم دوشنبه خواهد

بود و اول ماه صفر بناچار باید دوشنبه یا سه‌شنبه باشد درحالی‌که جمعه بوده است، حال فرض می‌کنیم از تاریخ‌هایی که برای محرم ذکر شده (پنجشنبه نهم) صحیح باشد، در این صورت چهارشنبه اول محرم خواهد بود و این فرض مقرون به صحت است، زیرا (چهارشنبه نیمه محرم ص ۴۹۵) و (یکشنبه چهار روز مانده ص ۴۹۶)، با این فرض مطابقت می‌کند، و همین طور آخر محرم و اول صفر نیز سازگار است.

۱۸- از ماه ربیع‌الاول سه تاریخ ذکر کرده است:

چهارشنبه چهاردهم ربیع‌الاول (ص ۴۹۷ همان مأخذ)

سه‌شنبه بیستم (ص ۴۹۷ همان مأخذ)

یکشنبه بیست و پنجم (ص ۴۹۷ همان مأخذ)

و اگر (چهارشنبه چهاردهم) را درست بدانیم اول این ماه پنجشنبه خواهد بود، و آخر ماه نیز پنجشنبه یا جمعه خواهد بود، که با تاریخی که برای ربیع‌الآخر ذکر کرده (دوشنبه چهاردهم ربیع‌الآخر ص ۴۹۸) بهیچ حال سازگار نیست، زیرا اگر دوشنبه چهاردهم ربیع‌الآخر باشد اول ربیع‌الآخر سه‌شنبه و آخر ربیع‌الاول روز دوشنبه خواهد بود، و بطوریکه در بالا یاد شد آخر ربیع‌الاول پنجشنبه و یا جمعه می‌باشد.

۱۹- از جمادى‌الاولی و جمادى‌الآخری دو تاریخ ذکر کرده:

پنجشنبه نهم جمادى‌الاولی (ص ۴۹۹ همان مأخذ)

چهارشنبه هفدهم جمادى‌الآخری (ص ۴۹۹ همان مأخذ)

که با در نظر گرفتن روز آخر جمادى‌الاولی و روز اول جمادى‌الآخر هیچگونه سازگاری ندارد.

۲۰- از ماه رجب همین سال (۴۲۷) سه تاریخ ذکر کرده:

روز شنبه غره رجب (ص ۴۹۹ همان مأخذ)

آدینه بیست و یکم (ص ۴۹۹ همان مأخذ)

سه‌شنبه پنج روز مانده از رجب (ص ۵۰۰ همان مأخذ)
 که هر سه با هم سازگار ولی روز اول رجب با روز آخر جمادی الاخری
 مطابقت نمی‌کند.

۲۱- از ماه ذی‌القعدة این سال سه تاریخ ذکر کرده:

شنبه سوم (ص ۵۰۱ همان مأخذ)

پنجشنبه هشتم (ص ۵۰۱ همان مأخذ)

شنبه بیست و چهارم (ص ۵۰۱ همان مأخذ)

که هر سه با هم سازگار ولی روز آخر این ماه با اول ماه ذی‌الحجه
 (روز دوشنبه نهم ذی‌الحجه ص ۵۰۳) که یکشنبه باشد مغایرت دارد.

۲۲- در وقایع سال ۴۲۸ از ماه صفر چهار تاریخ ذکر کرده است:

شنبه پنجم (ص ۵۰۷ همان مأخذ)

دوشنبه هفتم (ص ۵۰۷ همان مأخذ)

چهارشنبه هفدهم (ص ۵۰۸ همان مأخذ)

سه‌شنبه بیست و سوم (ص ۵۱۰ همان مأخذ)

اگر چهارشنبه هفدهم و سه‌شنبه بیست و سوم را درست بدانیم، دوشنبه
 اول ماه خواهد بود، که با آخر ماه گذشته سازگار نیست؛ اما اگر شنبه پنجم و دو
 شنبه هفتم را درست بدانیم، سه‌شنبه اول ماه خواهد بود، و با ماههای ماقبل و
 مابعد مطابقت می‌نماید.

۲۳- از جمادی‌الاولی چهار تاریخ ذکر کرده:

چهارشنبه چهارم (ص ۵۱۹ همان مأخذ)

یکشنبه هشتم (ص ۵۱۹ همان مأخذ)

شنبه هفدهم (ص ۵۲۰ همان مأخذ)

یکشنبه بیست و یکم (ص ۵۲۱ همان مأخذ)

که اگر یکشنبه بیست و یکم و شنبه هفدهم را درست بدانیم، اول ماه بترتیب

دوشنبه و پنجشنبه خواهد بود! که مسلماً نادرست و حتی با ماههای ما قبل و ما بعد نیز سازگار نیست؛ اما اگر چهارشنبه چهارم و یکشنبه هشتم را صحیح بدانیم، مطابقت میکند.

۲۴- از ذوالقعدة این سال دو تاریخ یاد کرده:

سهشنبه هفتم (ص ۵۲۹ همان مأخذ)

آدینه یازدهم (ص ۵۲۹ همان مأخذ)

که به اعتبار (آدینه یازدهم) اول ذوالقعدة سهشنبه خواهد بود و با ماه قبلی مطابقت ندارد، اما به اعتبار (سهشنبه هفتم)، اول ماه چهارشنبه و ترتیب روزها بهم نمی خورد.

۲۵- از ذوالحجه این سال شش تاریخ ذکر کرده:

یکشنبه چهارم ذوالحجه (ص ۵۲۹ همان مأخذ)

روزشنبه عیداضحی (ص ۵۲۹ همان مأخذ)

پنجشنبه نیمه ذی الحجه (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

سهشنبه هفدهم (ص ۵۳۲ همان مأخذ)

دوشنبه نوزدهم (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

پنجشنبه هشت روز باقی مانده (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

که باستثنای (سهشنبه هفدهم) بقیه باهم مطابقت می نماید؛ و اول این ماه روز پنجشنبه بوده است؛ و باید به یکی از دو صورت زیر:

شنبه هفدهم

و یا سهشنبه بیستم

اصلاح شود.

۲۶- در وقایع سال ۴۲۹ چهاربار از محرم این سال روز و تاریخ را

ذکر کرده:

شنبه غره محرم (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

پنجشنبه ششم (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

روز سه‌شنبه هفدهم (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

روز سه‌شنبه پنج روز مانده (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

سه‌شنبه هفتم با سه تاریخ دیگر تطبیق نمی‌کند، خارج از دو حال نمی‌تواند باشد، یا اشتباه در عداست، و یا در اسم روز، در صورت اول باید (سه‌شنبه هیجدهم) و در صورت دوم بایستی (دوشنبه هفدهم) نوشته شود.

۲۷- از ربیع‌الاول این سال سه تاریخ ذکر کرده:

چهارشنبه نهم (ص ۵۳۳ همان مأخذ)

شنبه ده روز مانده (ص ۵۳۴ همان مأخذ)

روزشنبه چهارروز مانده (ص ۵۳۴ همان مأخذ)

از (چهارشنبه نهم) نتیجه می‌گیریم، که اول‌ماه سه‌شنبه بوده است، و در این صورت (شنبه ده‌روز مانده) می‌تواند نوزدهم این ماه (ماه ۲۹ روز) باشد و (شنبه چهارروز مانده) می‌تواند بیست و ششم ماه باشد (ماه ۳۰ روز) بنابراین یکی از این حسابها غلط است و بنظر میرسد (شنبه ده روز مانده) را باید به (شنبه یازده روز مانده) اصلاح کرد.

۲۸- از جمادی‌الآخری دو تاریخ ذکر کرده:

سه‌شنبه سوم جمادی‌الآخری (ص ۵۳۴ همان مأخذ)

سه‌شنبه نیمه این ماه (ص ۵۳۵ همان مأخذ)

که اولی درست و دومی نادرست است؛ زیرا سوم ماه و نیمه ماه هر دو نمی‌تواند سه‌شنبه باشد، و (سه‌شنبه نیمه این ماه) را باید به (یکشنبه نیمه این ماه) اصلاح کرد.

۲۹- از ماه رجب این سال پنج تاریخ ذکر کرده است:

سه‌شنبه نهم (ص ۵۳۵ همان مأخذ)

چهارشنبه دوازدهم (ص ۵۳۶ همان مأخذ)

شنبه بیست و یکم (ص ۵۳۸ همان مأخذ)

چهارشنبه بیست و سوم (ص ۵۳۵ همان مأخذ)

دوشنبه دو روز مانده از رجب (ص ۵۳۹ همان مأخذ)

و در صفحه ۵۳۵ چنین نویسد: «و روز چهارشنبه بیست و سوم رجب امیر عبدالرزاق خلعت امیری ولایت برشور پوشید، و رسم خدمت بحای آورد، و دو غلامش را سیاه دادند بحاجبی، و شغل کدخدائی به سهل عبدالملك دادند، و خلعت یافت و مردی سخت کافی بود از چاکر زادگان احمد میکائیل، و مدتی دراز شاگردی بوسهل حمدوی کرده، و روز سه شنبه نهم این ماه سوی برشور رفت این امیر، بس به آرایش و غلامی دو بیست داشت»

مسئلاً یکی از این دو تاریخ غلط است زیرا خلعت امیری یافتن باید مقدم بر حرکت به محل مأموریت باشد، در خبر ذکر شده حرکت به محل مأموریت، مقدم بر خلعت پوشیدن آمده است. بقیه تاریخهای ماه رجب نیز با هم سازگار نیست، مثلاً باعتبار (چهارشنبه دوازدهم) شنبه اول ماه خواهد بود و اگر (شنبه بیست و یکم) را درست بدانیم یکشنبه اول ماه خواهد بود، و باستناد (دوشنبه دوروز مانده) سه شنبه اول و چهارشنبه آخر ماه خواهد بود، و تاریخ واقعی و صحیح روشن نیست. و باید در نظر گرفتن اول شعبان آخر رجب باید سه شنبه باشد.

۳۰- از ذی القعدة دو تاریخ ذکر کرده:

روز پنجشنبه هفتم (ص ۵۵۰ همان مأخذ)

پنجشنبه هشتم (ص ۵۵۵ همان مأخذ)

که اختلافشان ظاهر است.

۳۱- در وقایع سال ۴۳۰ از محرم این سال چهار تاریخ ذکر کرده:

چهارشنبه اول (ص ۵۵۶ همان مأخذ)

پنجشنبه دوم (ص ۵۵۶ همان مأخذ)

دوشنبه ده روز مانده (ص ۵۵۸ همان مأخذ)
 پنجشنبه شش روز مانده (ص ۵۵۹ همان مأخذ)
 (دوشنبه ده روز مانده) و (پنجشنبه شش روز مانده) باهم مطابقت ندارد.
 و به یکی از دو صورت زیر:

پنجشنبه هفت روز مانده
 و یا آدینه شش روز مانده
 باید اصلاح شود.

۳۲- از ماه ربیع الاول این سال پنج تاریخ ذکر کرده:

آدینه سیزدهم (ص ۵۶۴ همان مأخذ)
 شنبه نیمه (ص ۵۶۴ همان مأخذ)
 دوشنبه نوزدهم (ص ۵۶۶ همان مأخذ)
 پنجشنبه هشت روز مانده (ص ۵۶۶ همان مأخذ)
 یکشنبه سلخ ماه (ص ۵۶۶ همان مأخذ)
 که اولی و پنجمی، با دومی و سومی و چهارمی مطابقت ندارد.

۳۳- از جمادى الاخرى هشت تاریخ ذکر کرده:

چهارشنبه دوم (ص ۵۶۶ همان مأخذ)
 دوشنبه هفتم (ص ۵۶۶ همان مأخذ)
 چهارشنبه هشتم (ص ۵۶۷ همان مأخذ)
 آدینه دهم (ص ۵۶۷ همان مأخذ)
 پنجشنبه شانزدهم (ص ۵۶۷ همان مأخذ)
 شنبه هژدهم (ص ۵۶۷ همان مأخذ)
 دوشنبه بیستم (ص ۵۶۷ همان مأخذ)
 پنجشنبه هفت روز مانده (ص ۵۶۸ همان مأخذ)
 باید گفت این تاریخها مربوط به دو ماه جمادى الاولى و جمادى الاخرى

است که بر اثر يك اشتباه بهم آمیخته شده. و يك ماه مینماید، و آن اشتباه اینست که در صفحه ۵۶۶ وقایعی را که در جمادی الاولی اتفاق افتاد چنین می‌شمارد:

«و از آنجا برداشت روز چهارشنبه سوم ربیع الآخر....»

«روز سه‌شنبه نهم این ماه نامه وزیر رسید....»

«و امیر بازگشت از آنجا کاری نرفته روز آدینه دوازدهم این ماه....»

«و امیر بترمذ رسید روز آدینه بیست و ششم ربیع الآخر....»

«و دیگر روز بترمذ بیود پس برپل بگذشت روز یکشنبه دوروز مانده از این ماه و پس به بلخ آمد روز چهارشنبه دوم ماه از جمادی الاخری»

و در این عبارت اخیر (جمادی الاخری) غلط است و صحیح (جمادی-الاولی) می‌باشد.

و تاریخ ذکر شده بعد از عبارت فوق یعنی (روز دوشنبه هفتم این ماه ص ۵۶۶) نیز مربوط است به همین جمادی الاولی. و باید دانست که وقایع جمادی الاخری در صفحه ۵۶۷ با این جمله آغاز میگردد: «امیر بجهن نوروز بنشست روز چهارشنبه هشتم جمادی الاخری».

۳۴- از رجب همین سال سه تاریخ ذکر کرده:

پنجشنبه غره (ص ۵۶۸ همان مأخذ) و مطالعات فرهنگی

دوشنبه نهم (ص ۵۶۸ همان مأخذ)

دوشنبه هفدهم (ص ۵۶۹ همان مأخذ)

و این سه تاریخ هیچکدام باهم مطابقت ندارد.

۳۵- در وقایع سال ۴۳۱ از ماه شوال دو تاریخ آورده:

شنبه هفتم (ص ۶۳۹ همان مأخذ)

روز دوشنبه بیست و چهارم (ص ۶۴۳ همان مأخذ)

که باهم سازگار نیست.

۳۶- در وقایع سال ۴۳۲ از محرم چهار تاریخ ذکر کرده:

آدینه غره محرم (ص ۶۵۱ همان مأخذ)
 یکشنبه دهم (ص ۶۵۷ همان مأخذ)
 سه‌شنبه دوازدهم (ص ۶۵۷ همان مأخذ)
 پنجشنبه نوزدهم (ص ۶۵۸ همان مأخذ)
 که چهارمی با سه تاریخ دیگر مطابقت ندارد، و باید یکی از دو صورت

زیر:

پنجشنبه بیست و یکم
 سه‌شنبه نوزدهم
 اصلاح شود.

